

ایران

- صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی
- سردبیر: حسام‌الدین برومند
- دبیران: مصطفی عیوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور (اقتصادی)
- زرین رستمی وند (اجتماعی)
- بنفشه غلامی (جهان)
- لیدا فخری (اندیشه)

- محمدرضا عزیزی (گزارش)
- زهرا کشوری (زیست‌بوم)
- فرناز قلعه‌دار (حوادث)
- مهدی کلهرنژاد (اجرائی)
- پرویز آزموده (صفحه‌آرایی)
- داریوش کمالی‌پور آزاد (ویراستاری)
- ابوالفضل نسایی (عکس)

- تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰؛ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴؛ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پیامک: ۳۰۰۴۵۱۳۳؛ روابط عمومی: نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸؛ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
- چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲



«ایران» رادر صفحه‌های مجازی دنبال کنید



مهم‌ترین چیز این است که همیشه با خودت صادق باشی؛ در این صورت نمی‌توانی به هیچ‌کس دروغ بگویی.

همت، ویلیام شکسپیر

حضرت علی (ع):

کامل‌ترین شما از نظر ایمان، نیکوترین شما از حیث اخلاق است.

بهارالانوار، جلد ۶۸، صفحه ۳۸۷



سخن‌روز

نگاره

نابودی محترم رژیم صهیونیستی



طرح: نیما شاه‌میری

فضای مجازی

حضور «نوبت لیلی» در جشنواره آلمان

روح‌الله حجازی با انتشار تصویری از مرلیا زارعی در سریال «نوبت لیلی» از کاندیدا شدن این سریال در مهم‌ترین جشنواره سریال آلمان خبر داده است. او نوشته: «سریال نوبت لیلی به تهیه‌کنندگی و کارگردانی روح‌الله حجازی در چهارمین حضور بین‌المللی به بخش مسابقه دهمین دوره جشنواره DIE SERIALE در آلمان راه یافت و کاندیدای بهترین سریال بلند شد. این رویداد قدیمی‌ترین جشنواره آلمان است که به سریال‌های مستقل اختصاص دارد و ۲۹ و ۲۶ ژوئن ۲۰۲۴ در کیسن برگزار خواهد شد.»



بزرگ‌مرد سینما و تئاتر

نقیسه روشن تصویری از خودش در کنار اکبر زنجانیور را در مراسم بزرگداشت این بازیگر سینما و تئاتر و تلویزیون منتشر کرده است. او نوشته: «بزرگ‌مردی که من سر سریال فرات زیاد ازشون آموختم». نکوداشت اکبر زنجانیور با سخنانی از محمود دولت‌آبادی، محمد رحمانیان، مسعود دلخواه و نوید محمدزاده نهم اردیبهشت ماه برگزار شد.

یادآوری از قدیمی‌های سینما و تلویزیون

شهره سلطانی تصویری در کنار صمدالدین حجازی بازیگر تئاتر و سینما و تلویزیون منتشر کرده و نوشته: «با صمدالدین حجازی (عمو صدراجم) مرد مهربانی که ورودم به عرصه تصویر را مدیون او و محبت‌هایش هستم و بسیار دوستش دارم». او همچنین در ادامه نوشته است: «قدیمی‌ها را فراموش نکنیم، آنها همین‌که کمتر کار می‌کنند، به اندازه کافی غمگین هستند.»

امیر جدیدی در نقش یک تیسور مطرح ایرانی

امیر جدیدی از انتشار تصویری از حضورش در فیلمی فرانسوی خبر داده است. امیر جدیدی در فیلم بیوگرافی «منصور» در نقش منصور بهرامی تیسور مشهور ایرانی ایفای نقش می‌کند. کمپانی فرانس تی وی حق پخش جهانی فیلم بیوگرافی «منصور» به کارگردانی «رومالد بولاژه» را در اختیار گرفته که روایتی از زندگی منصور بهرامی تیسور مشهور ایرانی و مهاجرت او به فرانسه، دست و پنجه نرم کردن با فقر و سپس به شهرت رسیدن در فضای بین‌المللی است. امیر جدیدی بازیگر ایرانی که بیشتر برای بازی در فیلم «قهرمان» برنده جایزه بزرگ کن ۲۰۲۱ به کارگردانی اصغر فرهادی در سطح بین‌المللی شناخته می‌شود، نقش منصور بهرامی را بازی خواهد کرد.

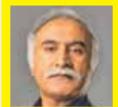
دعوت کارگردان «علفزار» به تماشای «بی‌بدن»

کاظم دانشی ویدیویی از فیلم «بی‌بدن» را منتشر کرده و دنبال‌کنندگان صفحه اینستاگرامش را به تماشای این فیلم دعوت کرده است. «بی‌بدن» اولین ساخته سینمایی مرتضی علیرزاده فیلمی جنایی است که از یک پرونده قضایی مهم الهام گرفته است. داستان فیلم با تغییراتی به یک پرونده معروف جنایی دهه ۹۰ اشاره دارد: پرونده قتل غزاله شکور به دست آرمان عبدالعالی که چندین بار تا مرحله اجرای حکم رفت و برگشت و یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌های چند سال اخیر ایران بود که حاشیه‌هایی هم در فضای مجازی داشت. الناز شاکردوست، نوید پورفرج، پژمان جمشیدی، سروش صحت و... ازجمله بازیگران این فیلم هستند. کاظم دانشی سازنده «علفزار» نویسنده فیلمنامه «بی‌بدن» است.



اصغر همت در «گنجشک مفرغی»

حمیدرضا نعیمی با انتشار یک پوستر از حضور اصغر همت در نمایش «گنجشک مفرغی» خبر داده است. نمایش «گنجشک مفرغی» به کارگردانی شهرام کریمی با بازی اصغر همت، مجید رحمتی، لیدا عباسی و ایمان سلگی از ۲۵ اردیبهشت در سالن سمندریان این تماشخانه به صحنه می‌رود.



بهرام افشاری غایب بزرگ پایتخت

صفحه اینستاگرام صبا به نقل از روزنامه دیجیتالی سینما خبری از عدم حضور بهرام افشاری در سری پایتخت منتشر کرده است. طبق این خبر محسن تنابنده پس از چند ماه کشمکش و جلسه با مدیران تلویزیون سرانجام بر سر حضور در این سریال توافق کرد تا گروه «پایتخت» دور هم جمع شوند. جز بهرام احمدی که دوباره از حضور در سری جدید «پایتخت» انصراف داده بود، غایب مهم گروه، بهرام افشاری سوپرستار و بازیگر بفروش این روزهای سینمای ایران ظاهراً به دلیل برنامه فشرده کاری نتوانسته خود را با گروه این سریال هماهنگ کند. گفتنی است چندی پیش پیام احمدی نیا بازیگر، با انتشار فراخوان بازیگری برای سریال «پایتخت ۷» در استوری صفحه شخصی اینستاگرام خود متذکر شد که این سریال به دنبال یک پیرمرد ۶۵ سال به بالای‌مازندرانی، پسر چیه ۷ ساله مازندرانی، دوقلوهای همسان خان ۱۸ تا ۲۵ سال و یک خانم جوان ۲۵ تا ۳۵ سال می‌گردد.



نقل قول

جشنواره‌ها برای هنرمندان جوان انگیزه سازند

سال گذشته به عنوان دبیر هنری در نخستین جشنواره عودنوازی قشم حضور داشتم، تجربه حضور در این جشنواره خوب و ارزشمند توصیف بود. در ابتدا، انتظار نداشتم که جشنواره عودنوازی، این‌گونه برگزار شود اما از لحاظ چگونگی برگزاری و تأثیرگذاری بر هنرمندان به خصوص جوانان و ایجاد انگیزه برای آنان از آنچه که انتظار داشتم، بهتر شد. برگزاری چنین جشنواره‌هایی حداقل باعث ایجاد انگیزه برای حضور جوانان در حوزه موسیقی و ادامه فعالیت آنان خواهد شد. اگر چنین جشنواره‌ای هر سال و حتی در سطح بین‌المللی برگزار شود و تداوم داشته باشد و یا برای سایر سازها و رشته‌های دیگر موسیقی و آهنگسازی نیز برگزار شود خیلی خوب است. به‌حرحال انگیزه‌های برای جوانان می‌شود تا ضمن نواختن ساز، آهنگسازی کنند، اثرگذاری این رویداد بر هنرمندان جوان خوب است و در آینده نتیجه‌بخش خواهد بود. درباره اجراهای نوازندگان جوان در جشنواره عودنوازی قشم باید بگویم که اجراها خیلی خوب بود، فکر نمی‌کردم انقدر نوازنده‌های خوب عود باشند، سطح شرکت‌کنندگان خیلی به یکدیگر نزدیک بود و این کار را برای داوران، سخت می‌کرد، اینکه کدام شرکت‌کننده رتبه نخست را کسب کرده، مهم نیست، مهم حضور نوازندگان جوان در این جشنواره و تعامل آنان با یکدیگر بود.



بخشی از گفته‌های ارسلان کامکار، آهنگساز و نوازنده با ایرنا

یادداشت



محمد تقی‌زاده

منتقد

نگاهی انتقادی به مستند «باو» از محسن کولیوندی

مستند «باو» بیش از هر چیز نمایانگر یک اثر تصویری غیرمنسجم و پراپراد در روایتگری است به گونه‌ای که اصلاً مشخص نمی‌شود مسأله فیلمساز در مستند چه بوده و اگر هم مشخص شود مسأله و چالش چیست، مسیر طی شده برای روایت از راه و اصول درستی پیروی نکرده است. فیلم داستان پدر است یا تقابل عشق و وظیفه؟ مستند قرار است یک اثر خانوادگی باشد یا یک کار دغدغه‌مند اجتماعی؟ مسأله قومیت تا چه حد در طول مستند تشخیص و هویت داشته‌آیا نمی‌شود این اثر در جغرافیای دیگری کار شود؟ فیلمساز چگونه تا این حد شخصی‌سازی کرده و جزئیات زندگی خانوادگی او به چه دردی مخاطب می‌خورده است؟ این پرسش‌ها تنها بخشی از چالش‌هایی است که در تماشای اولیه مستند به ذهن خطور می‌کند، اما مشکل اصلی «باو» استراتژی نامشخص فیلمساز در روایتگری است. فیلم با عنوان «باو» شروع می‌شود و این‌طور انتظار می‌رود که روایتی پدانه‌پد دربارۀ شخص پدر مشاهده شود، این در حالی است که دغدغه و چالش اصلی فیلم یعنی مشکل خانواده با موزیک زدن پدر کهنسال، هیچ ارتباط خاصی با شخصیت او ندارد. برای نمونه همسایه، عمو، دایی یا هر عضو دیگری از خانواده مستندساز که واجد کهنسالی بوده می‌توانسته ایفاگر چنین کارکردی باشد و پدر او هیچ هویت و تشخیص خاصی به نقش ن داده است.

مسأله دوم فیلم به شخصی‌سازی بیش از اندازه فیلم مربوط می‌شود. مستند اول کولیوندی با نام «چپده» درباره مادر بزرگ وی و این اثر درباره پدر او بوده است. او در گفت‌وگویی اعلام کرده که قرار است فیلم بعدی خود را درباره برادرش بسازد. این‌گونه علاقه به تصویرکردن اعضای خانواده در وهله نخست اتفاق بدی نیست و می‌تواند به کمک فیلمساز برای شناخت بیشتر و عمیق‌تر روایات و شخصیت‌ها بینجامد، اما گویی در مستندهای کولیوندی نوعی ادای دین و علاقه افراطی به اعضای خانواده باعث شده که فیلمساز تصور کند موضوع این افراد یک موضوع فراگیر اجتماعی است و می‌توانسته برای همه مردم مهم و جالب باشد. بحث مهم دیگر در پرداخت این سوزناک‌ترین برای نمونه در مستند «باو» شاهد تقابل جذاب وظیفه و عشق و شخصیت اصلی فیلم هستیم که فی‌نفسه ایده جالبی است اما در پرداخت شاهد ضعف و ایراداتی فرط در اجرا هستیم. پدر خانواده و انت نیسان دارد و شغلش جابه‌جایی آهن است، این در حالی است که او با وجود چنین

یادداشت

امیرحسین حیدری

منتقد سینما

زندگی از نگاه همینگوی

بعضی مفاهیم همه جا همراه ما هستند اما از کنار آنها به سادگی گذر می‌کنیم؛ مفاهیمی مثل زندگی، مرگ، امید یا ناامیدی. به عبارتی دیگر اینها مفاهیمی سهل و ممتنع هستند مثل وقتی که از کسی می‌پرسیم اصلاً می‌دانی زندگی چیست یا به چه چیزی می‌گویند امید؟ او احتمالاً می‌گوید: معلوم است که می‌دانم، این دیگر چه سؤالی است؟ اما زمانی که به شرح ماجرا می‌رسند موضوع کاملاً متفاوت می‌شود.

وقتی صحبت از سهل و ممتنع می‌شود یعنی کمتر کسی پیدا می‌شود، بتواند چنان رسا سخن سر بدهد که همه فارغ از هر سطح سوادى آن را درک کنند؛ اما هر کسی بیاری آن را ندارد که سختی مانند آن بیابد و این همان کاری است که ارزست همینگوی با «پیرمرد و دریا» کرد.



«پیرمرد و دریا» حکایت ماهیگیر مسن کوبایی است که از مدت‌ها قبل موفقیتی در ماهیگیری نداشته. او که از زندگی ناامید نشده در هشتادوچهارمین روز از ناکامی خود، مثل روزهای قبل سحرگاه به دل دریا می‌زند؛ غافل از اینکه امروز روزی خاص است. همینگوی در داستان «پیرمرد و دریا» آنچه را که از یک نوشته می‌تواند بر بیاید به مخاطبان ارائه می‌دهد. او در داستان گویی سراغ ساختن دنیاهاى بزرگ و عجیب، پیچش‌های داستانی یا تعلیق‌های آنچه‌جانی نمی‌رود. او درواقع صرفاً پریشی از یک زندگی اصیل را برای مخاطبان خود مجسم می‌کند؛ پیرمرد ماهیگیر درواقع نمادی از انسان است که در سختی‌ها روحیه خود را نمی‌بازد.

پیرمرد ماهیگیر در رقابتی نمادین با بزرگ‌ترین شمشیرماهی (طبیعت) که در دوران حرفه‌ای خود لحظات نفسگیری را سبوری می‌کند، گاهی ناامید می‌شود و خود را به دست آن می‌سپارد و گاهی درصدد رام کردن آن برمی‌آید و به آینده امیدوار می‌شود. درست مانند زندگی همگی ما؛ گاهی سرزنش‌ت را به طرف خود می‌کشیم و گاهی این تقدیر است که ما را به سمت خود می‌کشد. در نهایت اما این انسان است که سرزنش‌ت را در دست می‌گیرد؛ آن را رام می‌کند و به مقصود می‌رسد. تمام رمان «پیرمرد و دریا» همین است و می‌خواهد به مخاطب خود بگوید زندگی چیست؛ در بالا و پایین آنچه می‌گذرد و در نهایت به آدمی مژده می‌دهد که صبور باش، ناامید نشو که سرزنش‌ت را در دست می‌گیری؛ زمانی کتاب اصلی‌ترین رسانه در میان عموم جوامع به حساب می‌آید؛ اما این شرایط وقتی به کلی تغییر کرد که رسانه‌های تصویری پا به میدان گذاشتند مخصوصاً سینما. سینما درواقع برداشت یک شخص از یک متن است که گاهی به مذاق عده کثیری خوش می‌آید و گاهی خیر. سینما از طرف دیگر به اشتباه جایگزینی برای کتاب شناخته شده است، چراکه امروزه خواندن جزو کارهای سخت شده است؛ در این میان اما گاهی آثاری ساخته می‌شوند که کم از منبع خود ندارند و حتی فراتر از اثر می‌روند.

انیمیشن «پیرمرد و دریا» ساخته الکساندر پتروف از همین دسته است. این انیمیشن روسی در زمان انتشار توانست جوایز زیادی را کسب کند مانند جایزه اسکار برای بهترین انیمیشن کوتاه. مهم‌ترین ویژگی نسخه روسی «پیرمرد و دریا» را می‌توان در تکنیک اجرای آن دید؛ انیمیشنی از جنس نقاشی‌های کار دست است که نمی‌توان ضعیفی در آن پیدا کرد. از طرف دیگر پتروف کاملاً به داستان اصلی وفادار است. کاملاً مشخص است این انیمیشن ادای دین کارگردان به همینگوی است و توانسته تبدیل به اثری موفق شود.

خلاصه کلام اینکه، اگر تا به حال داستان «پیرمرد و دریا» را نخوانده‌اید در کوتاه‌ترین زمان ممکن حتماً کتابش را به دست بگیرید و بخوانید؛ اما اگر بنا به هر دلیل از لذت خواندن کتاب محروم هستید می‌توانید از تماشای انیمیشن «پیرمرد و دریا» لذت کافی را ببرید. باید بگویم اگر ذره‌ای در مطالعه این شاهکار ادبی تردید دارید پس باید به حرف ویلیام فاکنر گوش بدهید: «زمان ممکن است نشان دهد که «پیرمرد و دریا» بهترین نوشته همه ماست.»

عکس نوشت



دوازدهم اردیبهشت هر سال همزمان با سالروز شهادت استاد مرتضی مطهری به عنوان روز معلم نامگذاری شده است. دانش‌آموزان برای قدردانی از زحمات معلمان این روز را جشن می‌گیرند. عکاس روزنامه ایران در اردیبهشت ۱۳۷۵ با حضور در یک مدرسه دخترانه واقع در منطقه یازده آموزش و پرورش شهر تهران، مراسم روز معلم و قدردانی دانش‌آموزان این مدرسه در آن سال را به ثبت رسانده است.

عکس: آرتس عکس ایران